



اقتصاد موسیقی

این طور به نظر می‌رسد که اقتصاد موسیقی اصیل ایرانی هم در سال‌های اخیر دچار تزلزل و آشفتگی شده است، از این جهت که امروز به‌ندرت با انتشار آلبوم‌های موسیقی مواجه می‌شویم و هنرمندان بیشتر تمایل دارند تا آثارشان را در قالب تک‌آهنگ در فضای مجازی منتشر کرده و در معرض دید بگذارند، حتی گاه هنرمند حاضر است این تک‌آهنگ را که برای ساخت آن هزینه زیادی هم صرف کرده به شکل رایگان در صفحه شخصی‌اش در اینستاگرام بگذارد، این مسئله اقتصاد موسیقی را نابود نمی‌کند؟

اقتصاد موسیقی مدت‌هاست از بین رفته است. از این رو، ما با هزینه‌های شخصی کارهایمان را ضبط می‌کنیم و همان‌طور که اشاره کردم، اغلب این کارها بعد مالی برای هنرمند به همراه ندارد و فقط جنبه تبلیغاتی برای او دارد. خاطرم هست، چند وقت پیش دوستی به من گفت تو در طول یک سال، موسیقی کودک می‌سازی، موسیقی برای خیمه شب‌بازی می‌سازی، موسیقی برای ارکستر می‌سازی و... در حالی که بعضی از هنرمندان سالی یک کار انجام می‌دهند و آن هم یک پروژه عظیم است. من در جواب آن دوست گفتم: اگر می‌بینید بعضی از هنرمندان سالی یک کار در ابعاد بزرگ می‌سازند به این خاطر است که آنها به لحاظ معاش تامین هستند! امروز اغلب موزیسین‌ها غم‌ناک دارند و همین دغدغه باعث می‌شود در طول سال به ساخت آثار متنوعی بپردازند.

متعاقب این صحبت شما، می‌خواهم پیرسزم ممکن است همین مسئله امرار معاش باعث شده تا آثاری در حوزه موسیقی پدید بیایند که از دوام و قوام لازم برخوردار نباشند و در قیاس با قطعات هنرمندان پیشین، این آثار حتی کمتر به دل و جان مخاطبان اثر کنند؟

وقتی یک هنرمند تامین نیست، سعی می‌کند برای ساخت آثار خود از ضبط‌های کم‌هزینه استفاده کند و از نوازندگانی در کار خود استفاده کند که یا در ابتدای راه هستند یا از سر ناچاری، دست‌مزد کمتری را می‌پذیرند. در عین حال، در سال‌های قبل، شرکت‌های موسیقی از تولید آلبوم هنرمندان حمایت می‌کردند. امروز با توجه به پیشرفت تکنولوژی و شکل گرفتن فضای مجازی، دیگر مخاطب به دنبال آلبوم فلان هنرمند نیست، بلکه به سادگی می‌تواند اثر مورد علاقه خود را از اینترنت پیدا کند. در منطقه‌ای که من زندگی می‌کنم، در سال‌های اخیر، چهار مغازه سی‌دی فروشی وجود داشت اما به‌مرور زمان این مغازه‌ها به مشاغل دیگری تغییر کاربری داده‌اند و این دردناک است. در چنین شرایطی چطور می‌توانیم انتظار داشته باشیم قطعاتی که هنرمندان ارائه می‌کنند از کیفیت و قوام لازم برخوردار باشد!

نسل‌های جدید به این سازها روی آورده‌اند دستخوش تحولاتی شده‌اند، خود شما با وجود بیش از سه دهه فعالیت در حیطه ساز پیانو، چقدر در شیوه نوازندگی این ساز تغییرات و ابداعاتی ایجاد کرده‌اید؟

پیش از هر چیز به این مسئله اشاره کنم که صنعت سازسازی و تکنیک‌های نوازندگی ما در سال‌های اخیر پیشرفت زیادی کرده است. به خصوص این که امروز با تعداد زیادی از هنرجویان مستعد، پرتلاش و خلاق مواجه هستیم که در پیشرفت موسیقی ما نقش زیادی داشته‌اند، ولی به شکل فردی. من هم سعی کرده‌ام در طول این سال‌ها از منظر تکنیک و شیوه نوازندگی، تغییراتی را در ساز پیانو به‌وجود بیاورم. حتی اخیراً کتابی نوشته‌ام که امیدوارم به‌زودی به دست هنرجویان این ساز برسد. در این کتاب به تکنیک‌های موسیقی در ساز پیانو اشاره کرده و برای آن علامت‌گذاری کرده‌ام که امیدوارم بتواند کتاب مفیدی باشد.

این در حالی است که امروز به باور بعضی از منتقدین، با فقر و کمبود کتاب‌های نظری و تئوری در موسیقی ایرانی مواجه هستیم. به نظر شما چرا هنرمندان زبده و پیشکسوت کمتر نسبت به نگارش چنین آثاری مبادرت می‌ورزند؟ دلیلش این است که در گذشته، بهای بیشتری به آن دسته از هنرمندانی داده می‌شد که می‌خواستند علاوه بر آموزش دروس عملی، مباحث نظری را هم به هنرجویان خود تعلیم دهند. امروز هنرمندان این قدر درگیر مسئله امرار معاش است که نه نهادهای مرتبط از کتاب نوشتن او حمایت می‌کنند و نه کتاب به اندازه گذشته خریدار دارد که بتواند هزینه‌های صرف شده هنرمند در مسیر نگارش یک کتاب را تامین کند.

اخیراً ساخت موسیقی فیلم ۲۸۸۸ به کارگردانی کیوان علی‌محمدی را به عهده داشته‌اید، اما اگر ممکن است درباره دیگر آثاری که قرار است در سال جدید از شما منتشر شود هم توضیح دهید؟

در حال حاضر مشغول ساخت موسیقی برای یک سریال هستم که نمی‌توانم جزئیات آن را اعلام کنم. هم‌چنین در تدارک تنظیم سه آهنگ برای ارکستر هستم. موسیقی یک فیلم پانزده دقیقه‌ای را هم در دست دارم که علی‌حدید کارگردان این فیلم است. هم‌چنین، مجموعه قطعاتی را برای شب عید آماده خواهم کرد که می‌خواهم وقتی منتشر شوند درباره‌شان صحبت کنم. چون بارها پیش آمده است که کارهایی را تا مرحله نهایی پیش برده‌ام، اما در لحظه آخر مجوزی برای آن صادر نشده است. روی این اصل سعی می‌کنم زمانی درباره کارهایم صحبت کنم که به قطعیت رسیده باشند.

فکر می‌کنید با توجه به پتانسیل گسترده موسیقی اصیل ایرانی از حضور هنرمندان پرسابقه گرفته تا موج فارغ‌التحصیلان و هنرمندان جوان و خلاق، موسیقی ایرانی چقدر توانسته طی این سال‌ها در مجامع بین‌المللی مطرح شود؟

واقعیت این است که در زمینه شناخت و معرفی موسیقی کشورمان کم‌کاری کرده‌ایم و همان مقدار فعالیت‌هایی که در این زمینه صورت گرفته است هم متکی به تلاش‌های فردی هنرمندان بوده است. بنابراین، باید در جواب بگویم جهان موسیقی ایرانی را نمی‌شناسد.

انگیزه بخشی به هنرجویانم و برای دل خودم به روی صحنه بمرم، بی‌آن‌که از عواید این کنسرت منتفع شوم. در واقع، این کنسرتی است که براساس احساس هنرمند شکل می‌گیرد. در حالی که برگزاری یک کنسرت در سالی چون تالار وحدت با هزینه زیادی توأم است و در خوشبینانه‌ترین حالت؛ اگر بگویم تمام بلیت‌های یک کنسرت در تالار وحدت به فروش برسد، بازهم هزینه دست‌مزد نوازندگان و دیگر مسائل را جبران نمی‌کند، چه برسد به این که برگزاری یک کنسرت برای هنرمند بازگشت سرمایه هم داشته باشد. دسته دوم، کنسرت‌هایی هستند که حالت جنگ دارند و خط‌مشی این رویدادها صرفاً شاد کردن مردم است. در این جنگ‌ها، نور، صدا، اجرای هنرمند و سایر عناصر دقیق نیست و نظارت و دقت کافی نسبت به آن انجام نمی‌شود. خود من وقتی قرار است در یک کنسرت پایپولار ساز بزنم اصلاً تمرین نمی‌کنم، چون می‌دانم این کنسرتی است که باید به‌فراخور حال و درخواست مخاطبان برنامه اجرا کرد. ایرادی هم نمی‌توان به این جنگ‌ها وارد کرد، چرا که مردم احتیاج به شادی دارند. از طرفی، چون موسیقی از رسانه‌های رسمی پخش نمی‌شود، در نتیجه مخاطبان به آن شکلی که باید نمی‌توانند تفاوت موسیقی بد و خوب را از هم تشخیص دهند. مثل این می‌ماند که یک فرد می‌خواهد برای خوردن یک غذای باکیفیت و گران به رستوران برود، طبعاً متناسب با فضای آن رستوران و غذایی که می‌خواهد بخورد برنامه‌ریزی می‌کند. اما وقتی قرار است فرد یک پیپس یا پفک یا غذای فست‌فود بخورد، برنامه‌ریزی و کیفیت خاصی برای دسترسی به این خوراکی لازم نیست.

بعضی از هنرمندان بر این باورند، اگر چه طی این سال‌ها به‌رغم ظهور و بروز هنرمندان مستعد و خلاق، آثار درخشانی به‌وجود آمده و برگی بر دفتر موسیقی ایرانی افزوده است، اما با این حال این نوع موسیقی به دلایل مختلف، حتی نسبت به یک دهه گذشته هم دستخوش افت و رکود شده است. شما چقدر این مسئله را قبول دارید؟

تا وقتی موسیقی اصیل ایرانی جایی عرضه و شناخته نشود نمی‌توان درباره پیشرفت آن صحبت کرد. پیش‌تر به این مسئله اشاره کردم که موسیقی ایرانی در این سال‌ها نزد مردم معرفی نشده است. از سوی دیگر، هنرمند برای آن که اثری تولید کند باید هر ساز را در استودیو ضبط کند، امروز اجاره استودیوهای موسیقی سر به فلک می‌زند و طبعاً هنرمندی که می‌خواهد به ضبط یک قطعه بپردازد باید برای مجموعه سازهای اثرش دست کم ۵۰ میلیون تومان هزینه کند. خب! هنرمند در چنین شرایطی باید چقدر اثر خود را در اپلیکیشن‌های موسیقی بفروشد که بتواند مخارج یک اثر را تامین کند؟! ولی وقتی یک موزیسین می‌خواهد یک آهنگ پایپولار بسازد، می‌تواند با هزینه‌ای به‌مراتب کمتر، این آهنگ را در استودیوی شخصی و خانگی خود بسازد، بی‌آن‌که هزینه زیادی متحمل شود. ضمن این‌که امروز به‌واسطه پیشرفت تکنولوژی، سمپل‌های موسیقی آمده است که می‌تواند به تسریع کار موزیسین در ساخت یک اثر کمک کند.

هر کدام از سازها در طول این سال‌ها بنا به مولفه‌هایی که داشته و هنرمندانی که از

امیدوارم در آینده نزدیک شاهد راه‌اندازی شبکه‌ای برای موسیقی باشیم تا مردم ببینند تا استاد شهناز و دیگر بزرگان موسیقی ایرانی چه صدایی داشته است. سازهایی مانند، دف، قیچک، نی‌انبان و... چه هستند. قیچک چیست، موسیقی آذربایجان چگونه است و... در حالی که هنوز هستند افرادی که چون اطلاعاتی نسبت به سازهای موسیقی اصیل ایرانی ندارند، این سازها را نمی‌شناسند، سنتور ندیده‌اند و تفاوت تار و سه‌تار را نمی‌دانند